

زرتشت

زندگی نامه

در شرق ایران متولد شد. از ۷ سالگی تا ۱۵ سالگی نزد خردمند و پارسای بزرگ زمان به نام برزین به فراگرفتن اصول دینی و روش کشاورزی و درمان بخشی و شفای بیماران پرداخت. پس از مدت کوتاهی زرتشت جوان برای دفاع از میهن به نبرد با تورانیان متجاوز پرداخت. او از دیدن غلبه دروغ و زشتی و ناراستی و کشتار مردم دلش به درد می آمد. لذا از صف جنگاوران خارج شده به درمان مجروحان می پردازد تا بجای مجروح کردن مرهم بر جراحات نهد.

پس از پایان جنگ نیز او به کارش ادامه داد و میان بیماران و بلازدگان می گشت و زخمهای درون و بروانشان رامرهم می نهاد. زرتشت از همان ابتدا نسبت به مردم توجه داشت و نمی توانست نسبت به رنج ها و آلام جسمی و روحی آنان بی تفاوت باشد. او جهان را آوردگاه دروغ و راستی و نور و ظلمت می دید و می اندیشید که چگونه باید بر زشتی و پلیدی پیروز شد. زرتشت بیشتر اوقات در حال تفکر بود خانواده اش او را نصیحت می کردند پدرش به او دستور داد تا به کشت و زرع بپردازد و زمینی فراهم آورده سپس ازدواج کند. او نصایح دلسوزانه پدر را پذیرفت و با دختری زیبا از اقوام خود ازدواج کرد او در میان مردم بود اما اندیشه اش به اموری بس بزرگتر و انسانی تر مشغول بود. او احساس می کرد برای اینکه بهتر بیندیشد نیازمند فراغت و گوشه ای خلوت است؛ لذا در سن بیست سالگی خانمان را رها کرده در کوهی انزوا گزید و مدت ده سال به تفکر و اندیشه پرداخت.

غذایی اندک مصرف می کرد و کمتر می خوابید و بیشتر می اندیشید اهریمن و دست نشاندگانش به اغوای او می پرداختند اما همواره با عزمی استوار آنان را از خود می راند او در این مدت به آموزش های استادش برزین و رویدادهای جنگ فکر کرد اما حاصلی نیافت تا اینکه یک روز بر فراز کوه در حالی که به آسمان و غروب آفتاب نظر می کرد ناگهان به حقیقت و اصلی بزرگ آگاهی یافت و جانش آکنده از بهجت و سرور شد. او دریافت که همان سان که شب و روز و تاریکی و روشنایی آمیخته شده و روز را هیچ گاه پایانی نیست و شب هم انجामी ندارد؛ در گیتی نیز هم زشتی هست و هم زیبایی، هم بدی هست و هم خوبی. اندیشید که همانگونه که روز را همواره روشنی است و تاریکی در آن راه ندارد و شب را همواره ظلمت است و به روشنی نمی رسد نیکی نیز همواره نیک است و زشتی همواره زشت. او دریافت که بدکنشان نمی توانند با استمداد از خدا که مظهر نیکی است بدی را در جهان پراکنند و نمی توان از اهریمنان خواستار خوبی شد.

مادر زرتشت دوغدو دختر فری‌هیم‌روا و پدر وی پوروشسپ نام داشتند نام خانوادگی زرتشت اسپنتمان بود. حاصل ازدواج پوروشسپ و دوغدو پنج پسر بود که زرتشت سومین آنهاست. زرتشت سه بار ازدواج کرده بود. نام زن نخست و دوم او ذکر نشده‌است، زن سوم او هووی نام داشته، هووی از خاندان هووگوه و بنابر روایات سنتی دختر فروشوشر، وزیر کی گشتاسپ شاه کیانی بوده‌است.

زن نخست او پسری به نام ایست واستر و سه دختر به نام‌های فرینی و ثریتی و پوروچیستا داشت. زرتشت در گاتاها از ازدواج دختر سوم خود یاد می‌کند و روایات بعدی، شوهر او را جاماسب می‌نامد. از همسر دوم زرتشت، دو پسر به نام‌های اوروت‌نره و هورچیشه به دنیا آمده، و ظاهراً از زن سوم فرزندی نداشته‌است. نخستین کسی که به زرتشت ایمان آورد، میدیو ماه بود، که فروردین یشت از او نام می‌برد. وی در روایات سنتی، پسرعموی زرتشت به شمار آمده‌است.

جایگاه گات‌ها، سخنان زرتشت، در اوستا

قدیم‌ترین و مقدس‌ترین قسمت اوستا کتاب دینی زرتشتیان، گات‌ها می‌باشد. از زمان‌های بسیار قدیم گات‌ها را سخنان و اشعار خود زرتشت می‌دانستند. اوستایی که اکنون در دست است تنها یک چهارم کتابی است که در دوره ساسانیان وجود داشته‌است. اوستا در شکل کنونی خود شامل پنج بخش است. بخش‌های اوستا عبارتند از: یسنا، ویسپرد، یشته‌ها، وندیداد، خرده‌اوستا

یسنا به معنی پرستش و نیایش است و مهمترین قسمت اوستاست. سخنان زرتشت موسوم به گات‌ها، در آن گنجانده شده‌است. کلاً شامل ۷۲ فصل یا هات است

ویسپرد شباهت تامی به یسنا دارد و همراه آن در مراسم دینی خوانده می‌شود.

یشت‌ها از برای ستایش پروردگار و نیایش امشاسپندان و فرشتگان و ایزدان است. از نظر قدمت زبانی احتمالاً چند سده با عهد گات‌ها اختلاف زمانی دارد.

یشت‌ها گروهی از متن‌های کهن هستند که از راه تلفیق در گنجینه آیین زرتشتی گنجانده شده‌اند.

وندیداد به معنی قانون است. این بخش شامل بسیاری از قوانین مذهبی و احکام دینی زرتشتیان می‌شود. تألیف آن معمولاً به پس از دوره هخامنشی نسبت داده می‌شود. زبان و سبک و انشاء وندادید با این فرض که همه کتاب از دورهاول اشکانی است، کاملاً سازگار است.

خرده‌اوستا به معنی اوستای کوچک است. برای شرح نماز، ادعیه، روزهای متبرک ماه و اعیاد مذهبی سال و سایر مراسم مثل سِدره‌پوشی و کُشتی بستن کودکان، عروسی، سوگواری و غیره درست شده‌است. این قسمت از اوستا در زمان شاپور دوم شاه ساسانی بین سال‌های ۳۱۰ تا ۳۷۹ و توسط آذرباد مهراسپندان تألیف شده‌است.

هستی شناسی

❖ از نظر زر تشت دو نیرو بر جهان حکومت می کنند یکی مثبت و خیر و نیکو و دیگری منفی و شر و زشت.

❖ سپنتا مینو: اندیشه و منش و روش مقدس و نیک

❖ انگره مینو: اندیشه و منش و روش بد.

❖ این دو مینو صفت یا اسم معنی هستند و وجود خارجی و تعیین ندارند که به عنوان دو آفریدگار باشند.

❖ در جهان هم خیر هست هم شر. هم نور و روشنی هست هم تیرگی و ظلمت.

❖ خداوند آفریدگار یگانه و مطلق است که جز خیر بندگان نمی خواهد.

❖ در الهیات زرتشت جز اهورا مزدا که قادر و آفریننده داناست هیچ اشاره و کنایه ای به خدا یا آفریننده دیگر نشده است اما مسأله ضدین با زیرکی به گونه ای بیان شده است که هنوز در جهان شناخت فلسفی و الهیات به صورت اصل و بنیادی در استدلال مورد بهره برداری قرار می گیرد.

زرتشت مسئله نیکی و بدی را از دیدگاه فلسفی بدین صورت بیان می‌کند که خلقت جهان توسط خداوند انجام می‌یابد اما دو مینوی یا دو اصل وجود دارند که از خواص ذهن آدمی هستند. او می‌گوید این دو بنیاد زاده اندیشه آدمی هستند و هریک بر اندیشه و گفتار و کردار انسان اثرگذار هستند. این دو گوهر در سرشت آدمی وجود دارند و قضاوت درباره خوب و بد از این دو گوهر غیرمادی سرچشمه می‌گیرد. این ثنویت و دوگانگی در اخلاق و منش آدمی در مذاهب و مکتب‌های فلسفی دیگر نیز وجود دارند، مانند نفس اعلی و نفس اماره، نفس انسانی و نفس بهیمی و همچنین نام‌های دیگر

در گات‌ها زرتشت با یک زبان شاعرانه در توحید و اقتدار خداوند
گوید:

از تو می‌پرسم ای اهورامزدا کیست پدر راستی؟ کیست نخستین
کسی که راه سیر خورشید و ستاره بنمود؟ از کیست که ماه گهی تهی
است و گهی پر؟ کیست که به باد و ابر تندروی آموخت؟ کیست
آفریننده روشنایی سودبخش و تاریکی؟ که خواب و بیداری آورد؟
کیست که بامداد و نیمروز و شب قرار داد و دینداران را به ادای
فریضه گماشت؟ کیست آفریننده فرشته مهر و محبت؟ کیست که از
روی دانش و خرد احترام پدر در دل پسر نهاد. پس از این پرسش‌ها
زرتشت خود در پاسخ گوید:

من می‌گویم ای اهورامزدا تو را که به توسط خرد مقدس، آفریدگار
کلی، به درستی بشناسم

❖ در گاتاها از روح و جاودانگی آن و جدایی روح و جسم سخنی به میان نیامده اما از سه طبقه مردم از لحاظ سنجش ایمانی اشاراتی است و از سه مکان که می توان آنها را به: بهشت، دوزخ و برزخ تعبیر کرد یاد شده است.

❖ بهشت: جایگاه کسانی است که به آیین نیکی عمل کرده اند.

❖ دوزخ: جایگاه کسانی است که اعمالشان بد و ناشایست است.

❖ برزخ: جایگاه کسانی است که اعمال نیک و بدشان برابر است.

مзда پس از سر آمدن زندگانی در روز واپسین در کشور
جاودانی خود، آنچه نیک و نیک‌تر است به آن کسی بخشد که
خشنودی او را بجای آورد، همچنین زشت‌کردار را که از او
نافرمان‌بری نمود، به سزا رساند.

همچنین در دره‌ها ۴۶ گات‌ها از پل چینود ذکر رفته‌است.
این چنین این نفس دروغ‌پرست، پاداش یقینی هدایت‌شدگان راه
راست را، از خود دور نمود. روانش در سر پل چینود هنگام
حساب واپسین در بیم و هراس خواهد بود، برای آنکه از کردار
و گفتار خویش از راه راست دور افتاد.

❖ از یشت ها چنین بر می آید: روان آدمی بلافاصله پس از مرگ از تن خارج نمی شود بلکه روز سوم از تن برخاسته و از جسم جدا می شود تا پس از تشریفات لازم برای رسیدگی به اعمال، به پل چینود برسد.

قوانین هفت گانه زرتشت

❖ وحدت وجود یا یگانگی هستی و یکتایی آفرینگار هستی:

یعنی در جهان هستی حقیقت یکی است و سرچشمه وجود همان حقیقت یکتاست و همه موجودات نمود آن وجود یگانه اند.

وحدت وجود در جهان مادی یا گیتی.

یگانگی هستی معنوی

قوانین هفت گانه زرتشت

❖ وهومن یا اندیشه نیک: یعنی در پس دستگاه آفرینش، عقل کل و کاملترین خرد قرار گرفته است.

❖ اردیبهشت: یعنی باورداشت به وجود یک سامان و نظم و هنجار کامل که جهان هستی بر اساس آن اداره می-شود و به معنی بهترین اشویی است. اشویی معانی مختلفی چون نظم و عدل و پاکی دارد. که در فرهنگ زرتشتی پاکی یا اشویی به معنی پاکی برونی و درونی است.

قوانین هفت گانه زرتشت

❖ شهریور یعنی شهریار آسمانی، ملکوت آسمانی

❖ سپندار مذ « سپننه آرمیتی» به معنی عشق پاک و فروتنی شایسته :

یعنی پروردگار به همه مخلوقات خود عشق می ورزد و پیوسته

بخشنده و مهربان است زمین مظهر مهر و فروتنی

قوانین هفت گانه زرتشت

- ❖ خورداد «هه اروتات» به معنی کمال و رسایی مینویی و خوبی و آبادانی جهان است در این مرحله فرد به کمالات مادی و معنوی و فضایل اخلاقی نایل می شود آب مظهر خورداد در جهان مادی است.
- ❖ امرداد «امرتات» به معنی جاودانگی و زوال ناپذیری است که از صفات مینویی و خاص اهورا مزداست. و همواره با صفتد خردداد (رسایی و کمال) همراه است سبزه مظهر امرداد

انسان شناسی

از دیدگاه زرتشت پنج قوه در وجود انسان بنا نهاده شده است که عبارتند از:

- ❖ قوه اهو یا نیروی زندگی که مسؤول تنظیم اعمال طبیعی بدن است و چون مرتبط با جسم آدمی است با مرگ جسم، این نیرو نیز از بین می رود
- ❖ قوه دئنا یا وجدان که که مستقل از بدن بوده و احساسی روحانی و الهی می باشد و خوبی و بدی اعمال انسان را به او یادآوری می کند

قوای انسان

- ❖ قوه بئوذ که همان قوه تفکر و اندیشه انسان است
- ❖ اورون یا روان که مسؤول اعمال انسان اعم از زشت و زیبا می باشد.
- ❖ قوه فروشی که بسته به اینکه در چه جهتی از آن استفاده شود دارای ماهیت متفاوتی خواهد بود چنانچه در مسیر پاکی و راستی از آن استفاد شود فروهر و اگر در خدمت ناپاکی و دروغ قرارگیرد اهریمن می شود.

❖ از نظر زرتشت انسان موجودی آزاد و صاحب خرد و انتخابگر و مسؤول کردار خویش است. «انسان در نگاه زرتشت به هیچ وجه فرزند آدم، آدمی که از فرمان خدا سرپیچی کرد و سقوط نمود و بارگناه را به تاوان باید بر دوش کشد، نیست انسان در محدوده اندیشه گاثایی کامل و آگاه و مسئول است تا با اختیار، راه درست و نیک را انتخاب کند تا جهان آشایی و راستی را بیفزاید و رونق ببخشد و با این عمل، خداوند را نیز یاری کند

❖ «ای خداوند جان و خرد تو به بندگان خویش اختیار و راه نیک و بد بخشیدی تا اینکه راهی برگزیند که راهنما بدان گرویده و یا آنکه رهبر غیر واقعی نشان داده است»

انسان کامل

❖ انسان کامل در آیین زرتشت فردی است بنام سوشیانت به معنای سود رساننده. سوشیانتها یاوران و نگاهبانان آیین مزدیسنا هستند که هدفشان رستگاری و نجات مردم از جهل و نادانی و ظلم و ستم است. این افراد نیکوکار فقط خدا را در نظر می گیرند یعنی هم کردارشان نیک است و هم پندارشان. هدف آنها هدایت انسانها بسوی راستی است.

انسان کامل

«ای اهورا، راه پاک منشی؛ از آن راهی که به من خبر دادی از آن راهی که از پرتو راستی خوب ساخته شده است راهی است که روانهای پاک سوشیانت ها و خردمندان هوشیار از پی پاداشی که تو مقرر داشتی ای مزدا از آن خواهند گذشت»

«کی ای مزدا سپیده دم به درآید و جنس بشر به سوی راستی روی کند کی نجات دهنده (سوشیانت) بزرگ با گفتار پر از حکمت خویش به مراد رسد کدامند کسانی که وهومن بیاری آنان آید.»

انسان کامل

انسان کامل زرتشت از گناه می پرهیزد و خشم خود را کنترل می کند او همواره به حقوق دیگران گذاشته و آزادی آنان را گرامی می دارد. او با پندار و اندیشه خود همچنین با گفتار و کردار خود با بدکاران به مبارزه برمی خیزد و این کار را برای اطاعت امر خدا انجام می دهد. انسان کامل زرتشتی از جنگ و ستیز بیزاراست و برآنست که حتی مخالفان خود را نیز با محبت جذب کند

تعلیم و تربیت

❖ اوستا تعلیم و تربیت را برای مردان و زنان هر دو واجب دانسته
اما در مورد آموزش دختران تأکید بیشتری دارد. «ما می ستائیم
جوانی را که دارای اندیشه و گفتار و کردار نیکو و منش پاک بوده و
پیشوا و قائد راستی و درستی است.»

اهداف تعلیم و تربیت

اهداف کلی تعلیم و تربیت

- 1) خدمت به اجتماع و کشور (۲) خدمت به خانواده (۳) بهبودی حال دیگران
- «ای اهورا مزدا به من فرزندی عطا فرما که با تربیت و دانا باشد در هیئت اجتماع داخل شود و به وظیفه خود عمل کند، فرزند رشید و محترمی که حاجت دیگران را برآورده، در ترقی و سعادت خانواده و شهر و کشور خود بکوشد.» «ای زرتشتی، هوش و خرد را برای انجام وظایف نسبت به دیگران آماده دار و از هر کار بی جا و نابهنگام خودداری کن و همواره در اقدام به کار نیک و دستگیری از بیچارگان و بینوایان استوار باش»

اهداف تعلیم و تربیت

اهداف جزئی تعلیم و تربیت زرتشتی عبارتند از:

❖ هدف دینی و اخلاقی : ایمان، تزکیه نفس، وجدان که تحت تعلیم زرتشت و شعار

پندارنیک، گفتار نیکو کردار نیک جامه ی عمل می پوشند.

❖ هدف نیرومندی و بهداشتی : جوانمردی راستی پاک دلی و پاک تنی و تندرستی

❖ اهداف اجتماعی

داخلی: امنیت و کشورداری

❖ اهداف سیاسی

خارجی: آشتی و دوستی با همسایگان

تربیت دختران

و حتی می فرماید: **دختران باید بیش از پسران** به فراگرفتن علم و دانش بپردازند زیرا آنان تا در منزل پدراند باید به ترتیب و آرایش خانه پدر پرداخته و چون به منزل شوهر رفتند باید به تعلیم و تربیت فرزندان و نسل آینده مشغول شوند. آموزش دختران شامل وظایف خانوادگی و اصول اخلاقی و قوانین مذهبی اوستا بود. آزادی دختران در آیین زرتشت تا جایی پیش می رفت که می توانستند با ارائه دلایل واخذ مجوز از موبد یا دادگاه علیرغم میل پدر و مادرشان با مرد دلخواهشان ازدواج نمایند. زنان حتی می توانستند با شغل وکالت دادگستری بر مسند قضاوت بنشینند

مقام زن در دین زرتشت

زن در اوستا «**اشه بانو**» خوانده می شود که به معنی دارنده فروغ راستی و پارسایی است.
مادر در اوستا : **ماتری** یعنی پرورش دهنده
خواهر در اوستا : **سواسری** یعنی؛ وجود مقدس و خیرخواه
زن شوهردار با صفت **نمانوپتنی** یا نگهبان خانه نامیده می شود
« در روز نخست هور مزد به زن فرمود؛ ایزن تو را آفریدم تا مردان پارسا و پهلوان به وجود آوری،
و در آغوش پرمهر خود پرورش دهی، تا به یاری آنان ریشه نادرستی و ناپاکی از جهان برافتد.»

اهورا مزدا هم جنبه پدری دارد و هم جنبه مادری و از میان شش صفت برجسته پروردگار سه
صفت اولی **وهومن**؛ خرد، **اردیبهشت**؛ راستی و **شهریور**؛ نیرومندی از صفات مشخصه مردان و
سه صفت **سپندارمذ**؛ عشق پاک، **خرداد**؛ رسایی و کمال و **امرداد**؛ جاودانگی از صفات مشخصه
زنان هستند.

❖ دین زرتشتی بر مبنای «تک همسری» استوار است یعنی زن یا مرد زرتشتی نمی تواند نمی تواند در آن واحد بیش از یک همسر داشته باشد. همچنین ازدواج موقت وجود ندارد و ازدواج به صورت دائم و مادام العمر می باشد. زندگی زن و مرد زرتشتی پس از ازدواج در چارچوب سخت پرهیز کاری است و نباید از آن فراتر رود.

اصول سه گانه زرتشت

پندار نیک : اشوزرتشت: «کسانی که از نیروی خرد ایزدی و نیک اندیشی و راستی برخوردار باشند در انتخاب راه نیک کامیاب گردند و به پاداش آن در دو جهان بهره نیک یابند» خداشناسی، پاک چشمی، حق شناسی، شجاعت و قناعت و...

گفتار نیک: درمورد نیکی گفتار بیشتر از هر چیز راستی گفتار و پرهیز از دروغ مدنظر قرار گرفته است. دیودروغ (دروغ) رقیب اشه و «درگونت» یا دروغگو بدترین دشمن اهورامزدا و از یاران انگره مینو است. «دروغ باید تباه گردد، دروغ باید سنگون گردد دروغ باید نابود گردد در جهان باید راستی بر دروغ فیروز گردد» «بهترین کرفه (ثواب) راستی است و بدترین گناه دروغ». راستگویی، سنجیده گویی، حق گویی و پیمان داری و...

کردار نیک: زندگی آدمی در دین زرتشتی یک نوع زندگی سربازی و ساحشوری است. اصلی ترین آفت زندگی، سستی و کاهلی است که اهریمنی مییابد. نمونه های کردار نیک عبارتند از: درستکاری اطاعت از پدر و مادر دادگری یاد درگذشتگان و اغماض و ...